

تاریخ نامه یوحنا، سکو پای نیکو

گردانیده‌ای به فارسی

محمود فاضلی بیرجندی

با مطابقت با گردانیده عربی دکتر جاسم صکیان علی مرکز الاکادیمی للابحاث.

الطبعة الاولى. بیروت. ۲۰۱۷

- سرشناسه : یوحنا، اسقف نیکو، ش. قرن ۷ م.
John, Bishop of Nikiu, active 7th century
- عنوان و نام پدیدآور : تاریخ‌نامه یوحنا، سکوپای نیکو/گردانش از متن آنتیوپیایی به انگلیسی رابرت هنری چارلز: گرداننده‌ای به فارسی محمود فاضلی بیرجندی؛ با مطابقت با گردانیده‌ی عربی جاسم صکیان‌علی.
- مشخصات نشر : انتشارات برسم، ۱۴۰۰
- مشخصات ظاهری : ۳۴۹ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ م.س.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۱۲-۲
- وضعیت فهرست‌نویسی : عنوان اصلی: Chronicle of John, Bishop of Nikiu.
یادداشت : کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "The chronicle of John, Bishop of Nikiu, tr. from Zotenberg's Ethiopic text" به فارسی ترجمه شده است.
- یادداشت : واژه‌نامه.
- یادداشت : کتابنامه: ۳۴۲ - ۳۴۳.
- یادداشت : نمایه.
- موضوع : تاریخ باستان
- موضوع : History, Ancient
- موضوع : میزاس، امپراتوری -- تاریخ
- موضوع : Byzantine Empire -- History
- موضوع : مصر -- تاریخ
- موضوع : Egypt -- History
- شناسه افزوده : زوتنبرگ، هرمان، ۱۸۳۶-۱۸۹۴ م. مترجم
- شناسه افزوده : Zotenberg, Herman, 1836-1894
- شناسه افزوده : چارلز، رابرت هنری، ۱۸۵۵-۱۹۳۱ م. مترجم
- شناسه افزوده : Charles, R. H. (Robert Henry), 1855-1931
- شناسه افزوده : فاضلی بیرجندی، محمود، ۱۳۲۲-، مترجم
- شناسه افزوده : علی، جاسم صکیان
- رده‌بندی کنگره : DT۹۴۳
- رده‌بندی دیویی : ۹۳۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۲۲۰۲۹
- وضعیت رکورد : فیا



نشر برسم

دفتر: تهران، میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان قزوینی، پلاک ۶۶، طبقه اول
تلفن: ۷۷۲۰۷۰۹۴ همراه: ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۴

- عنوان: تاریخ‌نامه یوحنا، سکوپای نیکو
- نویسنده: رابرت هنری چارلز
- مترجم: محمود فاضلی بیرجندی
- طراح جلد: هوخث پارسی - راتاناز دهنادی
- ویراست: نشریه امرداد - مهناز فیروزمند
- ناشر: نشر برسم
- چاپ نخست ۱۴۰۰
- تیراژ: ۳۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۱۲-۲
- کلیه حقوق و امتیازات کتاب محفوظ است.

فهرست

۵	۱۹ دیباچه گرداننده فارسی
۱۱	۲۴ دیباچه گرداننده انگلیسی
۱۵	۳۴ تاریخ نامه یوحنا، سکویای نیکو
۲۳۹	۴۰ واژه نامه
۲۴۲	۴۱ سرچشمه های این گرداننده
۲۴۴	۴۲ جاها و کسان

دیباجه گرداننده فارسی

سزاوارتر به آغاز سخن آن است که سخنی از ابوعلی بلعمی آورده شود، آن جا که درباره گردانیدن تاریخ طبری می گوید:

"بدان که این تاریخ نامه ای بزرگ است | که چون اندر وی نگاه کردم و بدیدم اندر
وی علم های بسیار و حجت ها و اندر وی فایده ها دیدم بسیار، رنج بردم و جهد
و ستم بر خویشتن نهادم و این را پارسی گردانیدم."^۱

این گرداننده سخنی بدیده که وایش را رساتر از این درباره این نامه برساند که اکنون
در دست خواننده فارسی زبان است.

این نامه تاریخی همگانی است از گیتی تا آغاز آفرینش تا به روزگار نگارنده آن، که
روزگار بر آمدن اسلام و رسیدن آن به زادبومش بوده است، گیتوس بوم.^۲ در
گذر از آن روزگاران آگاهی های زیادی از کام ها و ناکامی های میهن و هم میهنان
خویش را نبسته و از شکست ها و پیروزی های آنان و هم از برخی از دیگر مردمان
آگاهی هایی داده است.

ما ایرانیان سرزمین قبطیان، یا به گزارش بندهش، "گیتوس بوم" را به تاریخ دور و
دراز چند هزار ساله اش می شناسیم، سرشار از افسانه ها، و افرنگ از آن. افسانه هایی
که پاره هایی دینی و آسمانی است و پاره هایی در زمین می گذرد. کیست که داستان
دلکش یوسف و زلیخا را نشناسد و روزها و شب هایی را از زندگانی اش در افسون
آن سر نکرده باشد. کیست که روزان و شبانی را با افسانه یعقوب و پسرانش تا
رسیدن یوسف به پیامبری نگذرانده باشد. کیست که سرگذشت موسی و فرعون

۱. تاریخ بلعمی، کوتاه شده از ص ۷۹ و ۸۰.

۲. گیتوس بوم، از بندهش، نام کهن بوم دبری است که سپس مصر نام گرفت. این نام در این گردانیده در برابر
Egypt آورده شد تا نام آن بوم را از نام آینده آن، مصر، جدا کند که تا به اکنون هم بر آن بوم مانده است. م.

را نشنیده، نخوانده، یا در روزگار کنونی چیزهایی را اندر آن باره در سینما ندیده باشد. آشنایی دیرنده ما با گیتوس بوم چندان است که نام رود نیل به افسانه‌های ما آمده و زبان زد بوده است. نیلی از رنگ‌هایی است که فارسی‌گویان می‌شناسند، و در دوره اسلامی هم که کتاب دینی مسلمانان یا رغار بیشترین ایرانیان شده، دیده‌ایم که در آن کتاب گرامی هم از بوم و برهایی نام برده شده که یکی از آن مصر است و نام مصر ازین راه باز به چشم و گوش مسلمان ایرانی آشناتر شده است.

مصر با تاریخ دور و درازش و با زیر و زبر شدن‌های پیاپی‌اش همانندی‌هایی با میهن خود ما ایران می‌یابد و آن زمان‌هایی است که پارسیان، رومیان و عربان بر آن تاخته‌اند و هر یک آن بوم را به آیین و راه خویش در آورده‌اند. در آن میانه، برخی از قبطیان با نورسیدگان همراه می‌شوند، و گروهی ناهمراه، رویه‌روی نورسیدگان می‌ایستند و سر به فرمان آنان نمی‌گذارند، سر می‌کشند، یا جنگ می‌آغازند. این است که در گیتوس بوم، کلیسای قبطی پدید می‌آید، دوران چیرگی پارس‌ها بر آن بوم مایه‌ی دل‌شکستگی قبطان می‌شود، یا به روز و روزگاری دیگر، قبطی باستان با عربان درمی‌ستیزد که از گرد راه نرسیده بوییدی گرفتن بوم و برش دارند. با هر چه از دارایی و خواسته در آن است.

از این روی آشنایی با تاریخ کهن گیتوس بوم شاید که برای پارس‌ها و هم عرب‌های کنونی به کارها آید که در تکاپوی یافتن راهی به سر برده‌اند و می‌برند، اندر پویه‌روزگار این گرداننده چنان که پیشتر هم روشن کرده دلی در گرو گردانیدن کتاب‌های معتبر تاریخی دیگر قوم‌ها و ملت‌ها به فارسی دارد تا مگر گامی به راه توانگرتر کردن منابع تاریخی در زبان فارسی بردارد. بهره تکاپوهایی که تا کنون اندرین راه کرده در آمدن چند نامه بالارج سریانی، ارمنی و یونانی به فارسی است. چه بر آن است که هر کس، تا خویش را، به سخن بوالفضل بیهقی، از همه "زوايا و خوابا" بر نرسد و از هر کران در خود ننگرد، نخواهد شد که به خانواده گیتی در آید و درست گاه بردارد و هموندی به شمار آورده شود، بالارج که رفتاری ویژه خود دارد.

تاریخ‌نامه یوحنا از سرچشمه‌های ارجمند تاریخ باستان است. از ویژگی‌هایش

یکی آن که داستان آفرینش را و هم تاریخ همه گیهان را بازمی گوید، آنچنان که قبطیان کهن می‌پنداشته‌اند و می‌شناخته‌اند. پاره‌هایی از این کتاب همانندی‌هایی با افسانه‌های کهن می‌یابد و به گمان این گرداننده، شیرینی آن از هر جای دیگر بیش می‌گیرد. آن جاهایی است که گاه گویی تاریخ بزرگ طبری خودمان را در دست داریم. یوحنا چونان طبری، سوای آن که تاریخ را گزارش می‌کند از آوردن اساطیر و افسانه‌ها و باورهای مردم دوری نمی‌کند و این بر زیبایی سخنش افزوده است. او از آن تاریخ‌نگاران است که دانسته است تاریخ تنها گزارش رخدادها نیست و برای دریافت درست آن، به افسانه و باورهای مردمان هم نیاز است.

نگارنده این تاریخ‌نامه خود از تخمه قبطیان بوده، در پی دوره‌ای که میهنش به فرمان امپراتوری روم در آمده به آیین ترسایی گرویده است. او نه از پارس‌ها، نه از رومیان و، در انجام، نه از عربان دل‌خوش دارد و این را باید شاییش شمرد که از هر که به زور به خانه‌اش پانهاده، پیرا باشد. اگر جز این باشد توان برو خرده گرفت. ازین بیش نیازی به سخن اندرین باور نمی‌یابد. پس به سخنی چند اندر کارش با این نامه می‌پردازد:

این نامه، به گفته بلعمی "با جهد کردن و ستم کردن بر خویش" فارسی شده است. چه از آغاز به زبان یونانی و برخی جاها به زبان قبطی^۱ نوشته شده، با ویژگی‌ها و شایایی‌های آن زبان‌ها، پس به انگلیسی و هم به عربی گردانیده شده است. این دگرگشت‌ها کار استادانی بوده هم اهل فن ترجمه و هم زبندگان تاریخ. چه از پس این دگرگشت‌ها، دیستک‌های ناآشنای زبان آن باز هم خود را نشان می‌دهد.

این گرداننده بر آن کوشیده تا به درونمایه زبان این نامه راهی ببرد. هم بدین روی، از پس پایان نخستین دور ترجمه، زبان گردانیده خودش را چند بار سربه سر وارسیده و تا توانسته در خم‌وچم واژگان و کاربست آن باریک‌نگریسته تا مگر واژگان و زبان کارش را پیراید، و تا ازو برمی‌آید برای واژگان ویژه (یا فنی) برابرهای کهن بیاورد. و باز این پرهیز را در سرتاسر کار داشته که مبادا گردانیده‌اش، دشوارخوان و دیرگوار آید.